

آچارکشی

لاس‌وگاس وسط اتوبان مدرس

● **بوریا عالمی:** جمعی از هنرمندان به شهردار تهران نامه نوشتند و گفتند توی شهر خودشان غریبه و بیگانه هستند. شهردار تهران گفت: آخه چرا؟! اینجا که عینهو مشهد خودمان است. هنرمندان گفتند مشهد اتفاقا شهر قشنگ و زنده‌ای است و حسش اینجاست که مشهد را عین مشهد نگه می‌دارند. سؤال اینجاست که تهران دقیقا شبیه چیه؟ یعنی به یکی بگوییم تهران را بکش چی می‌کشد؟ نودودرصد بچه‌ها توی تهران عکس یک میخ بلند را می‌کشند که آسمان را شکافته، می‌پرسیم این چیست؟ می‌گویند تهران. می‌گوییم این میخش واسه چیست؟ می‌گویند برج میلاد است. اتفاقا ما یک میهمان خارجی داشتیم که آمده بود ایران، وقتی توی شهر چرخاندمش، وسط اتوبان گفت لاس‌وگاس توی تهران شعبه زده مگه؟ گفتیم استاد لاس‌وگاس کوو؟ پل طبیعت را نشان داد. در اتوبان مدرس گفت شما با سرخ‌پوست‌ها جنگ کردید؟ گفتیم نه. گفت سرخ‌پوست‌ها توی فرهنگ شمام مؤثر بودند؟ گفتیم نه. گفت سرخ‌پوست‌ها با شما وصلت کردند و الان نصف جمعیت شما حس عجیبی به اجداد سرخ‌پوست خود دارند؟ گفتیم نه. گفت پس این ظرف که عین آثار تمدن اینکاها و قوم مایاست و توش پر بیزه شکار است چیست؟ گفتیم درباره ظرف قوسو مایا چیزی نمی‌دانیم، اما می‌دانیم آنها بامبو است. گفت مگر اینجا کامرون یا غرب آفریقا یا چین و شرق آسیاست که بامبو نماد شما باشد؟ ما گفتیم نه، ولی در لاهیجان و لیلستان و قاسم‌آباد بامبوهای باحالی درمی‌آید. بعد رفتم سمت پیچ‌شمیران، بکه‌ور رفیق ما بغض کرد و گفت: شما از این خیابان خاطره بدی دارید؟ گفتیم چرا؟ گفت من از هرچی خاطره بد دارم خرابش می‌کنم، شما هم پل به این زشتی را گذاشتید وسط پیچ‌شمیران که دیگر کسی از این منطقه رد نشود؟ هیچی نگفتم، رفتم سمت چهارراه ولیعصر، رفیق ما گفت پسر خب تهران را دوست ندارید چرا خرابش می‌کنید؟ اینجا چهارراه ولیعصر است و من کلی عکس ازش دیده بودم. الان عین منطقه جنگی بعد از بمباران شیمیایی شده. الان واقعا قشنگش کردید؟ ما باز هیچی نگفتم و گفتیم بیا برویم میدان خوب ولیعصر را ببین که از همه‌جای تهران معروف‌تر است. آقا ما رسیدیم به میدان ولیعصر دیدیم وسط میدان دارند یک پاساژ سه‌هزار طبقه زیر زمین می‌سازند. البته قبلش یک‌طوری کرده بودند آدم فکر کند دارند مترو می‌زنند. خلاصه دیدیم چیزی از ولیعصر هم نمانده. رفیق خارجی‌مان گفت کو؟ ولیعصر کو؟ گفتیم ولش کن. من یک جایی را بلدم می‌توانیم برویم و توی افق کم شویم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۴ • ۹ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷ • ۱۸ فوریه ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۲۴ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۷ • اذان صبح فردا ۵:۲۴ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



پنجره رو به خیابان

سؤال‌ها و پیشنهادهایی برای دبیر یک جشنواره بین‌المللی

همایش‌ها بر حضور و ملاقات آدمیان استوار است. پیش‌تر این گوهر ناشناخته و ابتر بوده و عمدتا بدون عوامل فیلم‌های جشنواره استوار بوده است. برای این موضوع یعنی حضور عوامل اصلی فیلم‌ها و امکان ملاقات و گفت‌وگوی رودرو چه تدبیری اندیشیده می‌شود؟ آیا همان برگزارکنندگان ادوار پیشین، این بخش را همچنان مدیریت می‌کنند؟

ث) اگر قصد ما از برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم فجر تحقق بخشی به مأموریت شنیده‌شدن صدای ما (ایران اسلامی) و تأثیرگذاری به سهم شایسته سینمای ایران در سینمای جهان است، ملک انتخاب آثار و داوران چیست؟ و از آن مهم‌تر ضمانت تداوم این تغییرات صواب چیست؟

ج) ایران ما، مادر نجد جغرافیای بزرگ‌تر ایران است. برای توجه‌بخشیدن و ایفای نقش مادری برای سپهر فرهنگ ایرانی مانند افغانستان، تاجیکستان، آذربایجان، ارمنستان، عراق و... چه تدبیری می‌اندیشیم؟ کار جهانی‌کردن از کار منطقه‌ای‌کردن آغاز می‌شود!

مشتاقانه منتظر می‌مانیم تا میرکریمی برنامه‌هایش را اعلان و اعمال کند.

فشرد یا یک‌بار برای همیشه این خطا را اصلاح می‌کنیم؟ البته فراموش نمی‌کنیم که ما پیش‌تر در جشنواره جهانی تهران و جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی، برگزارکننده چندین دوره فستیوال بین‌المللی فیلم بوده‌ایم!

ب) جایزه سیمرغ برگرفته از اسطوره‌های ادبیات ما و نشانگر تاریخ کهن میل به جاودانگی و پایداری در بشر است اما سیمرغ بلورین، من شخصا از شیشه و بلور احساس سردی و خمودگی می‌کنم. شاید وقت آن است تا این اسطوره تهنید و پابندگی ایرانی از سردی با ساخت زرین و سیمین و به دست توانای یک مجسمه‌ساز برجسته، به گرمی و بلوغ برسد.

پ) تا سال ۱۳۸۳ بخش بین‌الملل جشنواره دارای یک بخش مسابقه بود. از آن سال، دو بخش آسیا و معناگرا (واژه‌ای به‌غایت مغلوط) نیز به آن براساس نظر معاونت سینمایی وقت افزوده شد. حالا با رویکرد جدید آیا ما دارای همان سه بخش میراثی هستیم؟ دست‌کم به‌نظر می‌رسد حذف بخش بی‌مسمای معناگرا ضروری است.

البته می‌توان جایزه‌ای با این عنوان برای فیلم‌های معنویت‌گرا به جوایز افزود.

ت) گوهر جشنواره‌ها و سمپوزیوم‌ها و



سیدمحسن هاشمی

رضا میرکریمی از فیلم‌سازان بالیده و برآمده انقلاب است. دنیادیده و نوگراست. در سینما صاحب سبک شده و هنرهای تجسمی را به‌خوبی می‌شناسد. حالا این فیلم‌ساز دارای عالی‌ترین مقام اجرایی نهاد مدنی خانه سینما با حکم دکتر ایوبی، رئیس سازمان سینمایی، دبیری جشنواره جهانی فجر را عهده‌دار شده است. این یادداشت به نکاتی که پیش‌روی میرکریمی به‌مثابه مدیر یک فستیوال جهانی است، می‌پردازد:

الف) تعداد دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر خطا است، یعنی ما سی و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی را نگذرانده‌ایم اما گذشتگان از روی تسامح یا از باب پرستیز، تعداد ادوار برپایی فستیوال داخلی فجر را بر آن نهاده‌اند! پرسش این است که اینک با دوران جدید جشنواره جهانی فیلم فجر که با حضور میرکریمی رقم خواهد خورد، آیا ما همچنان بر همان تعداد دوره غلط پای خواهیم

گزارش فردا

ادای احترام هنرمندان به موزه صلح



سعید ملکان نیز در سخنانی گفت: همه با شوق این دعوت را پذیرفتیم، چون می‌دانستیم دیدار شما بزرگواران، حال همه ما را خوب و خوب‌تر خواهد کرد. در ادامه هنرمندان حاضر، سعید ملکان (تهیه‌کننده)، سعید روستایی (کارگردان)، پیمان معادی، پرناز ایزدیار، ریما رامین‌فر، شیرین یزدانبخش، معصومه رحمانی (بازیگران فیلم) به بازدید از موزه پرداختند که با روایتگری جانبازان هفتاد درصد، محمدرضا تقی‌پور و حسن حسینی‌سعدی از موضوعاتی مانند به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه ملت ایران توسط صدام و به پشتیبانی ابرقدرت‌ها در زمان جنگ، همراه شد. حضور حبیب والی‌نژاد، تهیه‌کننده فیلم (ایستاده در غبار) هم در موزه صلح با عوامل فیلم «ابد و یک روز» هم‌زمان شده بود.

اینجا هستیم. او ادامه داد: اتفاقا دیروز دخترم به همراه هم‌کلاسی‌هایش به اینجا آمده بود و با شغف خاصی تا پاسی از شب برای من و همسر از اینجا می‌گفت. واقعا این‌گونه انتقال صحیح پیام و آشنایی بیشتر امثال دختر من با تاریخ کشورشان، باعث غرور است.

شرق: هنرمندان فیلم «ابد و یک روز» که با ۹ سیمرغ بلورین رکورددار جشنواره اخیر فجر شدند، به جانبازان شیمیایی موزه صلح تهران ادای احترام کردند.

در اولین گردهمایی بعد از جشنواره، این هنرمندان در موزه صلح تهران حضور یافته و پس از آشنایی بیشتر با موضوعات مختلف زمان جنگ به کلیه جانبازان شیمیایی حاضر در موزه ادای احترام کردند.

پیمان معادی بازیگر نقش اول «ابد و یک روز» که برای بار دوم به بازدید از این محل آمده بوده، در سخنانی مطرح کرد: من بار دوم است که با اشتیاقی بیشتر از بار اول به اینجا می‌آیم، چون بار اول دوستان جانبازم مانند آقایان سعدی و تقی‌پور را از نزدیک نمی‌شناختم؛ ولی الان به شوق دیدار دوباره آنان در

مقام معظم رهبری (مدظله):

جناب آقای قمی از سابقه طولانی ارتباط با دانشگاه و نیز انجام فعالیت های موفق فرهنگی و تربیتی برخوردارند

دکتر محسن قمی

همگام با جامعه پزشکی ایران

کلینیک تخصصی پوست و مو رازی

کاندیدای پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری